



HomePage: https://jhistory.um.ac.ir/	Vol. 55, No. 1: Issue 110, Spring & Summer 2023, p.89-116	
Online ISSN: 2538-4341	Print ISSN: 2028-706x	
Receive Date: 16-03-2023	Revise Date: 05-08-2023	Accept Date: 20-08-2023
DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2023.81664.1216	Article type: Research Article	

Re-interpreting the Archetypes of Plaster *Mihrābs* in the Grand Mosque of Tabriz; A Gift from the Ilkhanate Era

Elham Ja'fari

PhD candidate of architecture, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Dr. Hasan Sattari Sarbangholi (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Email: sattari@iaut.ac.ir

Dr. Muhamadreza Pakdel Fard

Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran

Abstract:

The city of Tabriz, a significant city with valuable monuments and historical sites, has had a major impact on the preservation and continuity of Iran's historical and cultural richness. It possesses numerous archetypes. One is the Grand Mosque of Tabriz, with its historical *Mihrāb* and valuable ornaments dating back to the Ilkhanate era. This article investigates the patterns and inscriptions on this historical site in order to re-interpret the existing archetypes with the aim of using them as tools for connecting future social groups. After conducting a study of library resources and field research (especially photography using the descriptive-analytical method) the archetypes observed in the *Mihrāb* decorations were classified into seven categories according to the painter, visual aspects, concepts, etc. The seven categories include: Humanistic, natural, situational, numerical, geometric, corporeal, and animalistic archetypes. The information was recorded in charts and analyzed accordingly. Among the geometric mandala and spiral archetypes, numerous types of patterns were used, making it impossible to count the number of repetitions for each type. In addition, the archetypes of tree and heaven are entwined within the entire *Mihrāb* design, considering botanical patterns as well.

Keywords: archetypes, semiotics, decorations, *Mihrāb*, The Grand Mosque of Tabriz, Ilkhanate era.





سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۰ - بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۱۶ - ۸۹	HomePage: https://jhstory.um.ac.ir
شاپا چاپی X ۷۰۶ - ۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱ - ۲۵۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴
نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹
DOI: https://doi.org/10.22067/jhstory.2023.81664.1216	

بازخوانی کهن‌الگوهای محراب گچی مسجد جامع تبریز، تحفه‌ای از عصر ایلخانی

الهام جعفری

دانشجوی دکتری معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

دکتر حسن ستاری ساربانقلی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

Email: sattari@iaut.ac.ir

دکتر محمدرضا پاکدل فرد

استادیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

شهر تبریز به‌عنوان یکی از شهرهای مهم با بناها و آثار تاریخی ارزشمند در حفظ و تداوم غنای تاریخی و فرهنگی کشور تأثیر بسیار زیادی داشته و دارای کهن‌الگوهای متعددی است. یکی از این بناها مسجد جامع تبریز است که دارای محرابی تاریخی با تزیینات ارزشمند متعلق به دوره ایلخانی است. این مقاله با بررسی نقوش و کتیبه‌های این اثر ارزشمند تاریخی، کهن‌الگوهای موجود در آن را بازخوانی کرده و الگوهای مهم را استخراج کرده است تا ابزاری برای پیوند گروه‌های اجتماعی آینده باشد. پس از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و انجام فعالیت‌های میدانی به‌ویژه عکاسی به روش توصیفی - تحلیلی، کهن‌الگوهای مشاهده شده در تزیینات محراب را بر اساس دسته‌بندی نگارندگان، از جنبه ظاهری، مفهومی و ... در ۷ دسته کهن‌الگوهای انسانی، طبیعی، موقعیتی، عددی، هندسی، کالبدی و حیوانی بررسی کرده و سپس اطلاعات که در جداولی منظم ثبت شده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در کهن‌الگوهای هندسی مانند الا و اسپیرال، تعداد نوع استفاده شده زیاد بوده و تعداد تکرار هر نوع غیرقابل شمارش است. همچنین کهن‌الگوی درخت و بهشت نیز با در نظر گرفتن نقوش گیاهی، در کل محراب به‌صورت درهم تنیده و پیچیده وجود دارند.

کلیدواژه‌ها: کهن‌الگو، نمادشناسی، تزیینات، محراب، مسجد جامع تبریز، عصر ایلخانی.

مقدمه

در دوران معاصر و اغلب در پناه تفکر مدرنیسم در عرصه‌های معماری و شهرسازی، آثار و بافت‌هایی به وجود آمدند که آفرینندگان آن‌ها، بیش از هر چیز، به آوانگارد و نوآورانه و حتی غریب بودن آن‌ها به خود می‌بالیدند. اصرار نوگرایان به ایجاد محیط‌هایی با استانداردهای یکسان برای انسان‌ها، با ویژگی‌های متفاوت، سبب شد فضاهای زیست شهری مدرن گرایش به سردرگمی، هرج و مرج، پریشانی و ابتذال پیدا کنند.^۱ برخی معتقدند که «فقدان دانش، نداشتن اعتقاد حرفه‌ای، عدم توجه به اصالت‌ها و شناخت ناکافی از فرهنگ، نادیده گرفتن حرمت و اصالت ریشه‌های تاریخی ارجمند سرزمین، و بسیاری مسائل دیگر از این دست، در کنار یکدیگر این بحران و نابسامانی را موجب گردیده‌اند».^۲

با مطرح شدن مباحث روان‌شناسی محیطی، تاریخ و فرهنگ بومی و مانند آن‌ها کهن‌الگوها (آرکی تایپ‌ها) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین موضوع‌ها در زمینه طراحی فضاهای انسان ساخت مطرح شدند. کهن‌الگوها را «انگاره‌های بنیادین، اصیل و پایداری» تعریف کرده‌اند که حاصل جمع تجربه‌های هزاران سال تاریخ، تجربه و خاطرات جمعی بشری بوده و درحافظه پنهان و ناخودآگاه انسان ذخیره شده‌اند. در پهنه فرهنگی ایران نیز، به‌واسطه سابقه تاریخی آن، می‌باید انگاره‌های بنیادین یا کهن-الگوهای متعددی وجود داشته باشند که توانسته‌اند این جامعه بزرگ و رنگارنگ را، در مجموعه‌ها و عناصر محیطی نسبتاً منسجم از نظر کالبدی، در پی قرون متمادی، در کنار هم حفظ کرده و گروه‌های اجتماعی را به هم پیوند بزنند.^۳

تبریز یکی از شهرهای بسیار مهم و تاریخی ایران است که پیشینه آن به دوران پیش از اسلام می‌رسد. این شهر در بسیاری از دوره‌های تاریخی از مراکز مهم آذربایجان به شمار می‌رفته و در برخی از دوره‌ها-مانند دوره ایلخانان، قراقویونلوها، آق قویونلوها و مدتی نیز در دوره صفویه- پایتخت کشور بوده است.^۴ باتوجه به قدمت و پیشینه تاریخی تبریز، آثار معماری با ارزش بسیاری به جا مانده است. یکی از این بناها، مسجد جامع تبریز در مجموعه بازار تبریز است.^۵ این بنا دارای محراب تاریخی با ارزشی است که در بخش شبستان اصلی مسجد قرار دارد و از آثار برجسته گچ‌بری دوره ایلخانی به‌شمار می‌آید.^۶ لذا بر اساس هدف پژوهش می‌توان با بررسی کهن‌الگوهای گچ‌بری‌های محراب مسجد جامع تبریز به

۱. براتی و کاکاوند، «کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی- اسلامی»، ۵.

۲. دبیا، معماری معاصر ایران، ۴.

۳. براتی و کاکاوند، «کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی- اسلامی»، ۵.

۴. سلطان زاده، تبریز خشتی استوار در معماری ایران، ۷.

۵. عمرانی و اسمعیلی سنگری، مساجد تاریخی آذربایجان شرقی، به سفارش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی، ۱۵.

۶. پوپ، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدیقی افشار، ۱۵۶.

نتایج مهمی دست یافت تا منشأ طراحی‌های ریشه‌دار و اصیل متناسب با فرهنگ و تاریخ ایران باشد. در راستای رسیدن به نتایج پژوهش سؤالات مطرح شده به این صورت است: چه کهن‌الگوهایی در تزیینات محراب گچی مسجد جامع تبریز وجود دارد؟ چه الگوهایی جهت استفاده در طراحی‌ها می‌تواند مناسب و قابل‌اعتنا باشد؟ لذا پس از مطالعه منابع کتابخانه‌ای، تحقیقات میدانی و عکاسی، به روش توصیفی-تحلیلی، کهن‌الگوهای مشاهده شده در تزیینات محراب را بررسی خواهیم کرد.

۱- کهن‌الگو

آرکی تایپ برگرفته از واژه یونانی آرکه تیپوس (Archery pops) است. که در زبان یونانی به معنی مدل یا الگویی بوده که چیزی را از روی آن می‌ساختند همچنین، در روان‌شناسی تحلیلی، آن دسته از اشکال ادراک و آن دریافت را که به یک جمع به ارث رسیده را کهن‌الگو یا سرنمون می‌خوانند.^۷ کهن‌الگو را نمادهای جهانی تعریف کرده‌اند.^۸

کارل گوستاو یونگ،^۹ اندیشمند آرک تایپی، کشف کرد که آرکی تایپ‌ها در هر فرهنگ و هر دوره زمانی یافت می‌شوند. آن‌ها در همه شرایط و حالت‌ها از قانون‌های یکسان پیروی می‌کنند. او آن‌ها را ناخودآگاه جهانی یا کیهانی نام نهاد.^{۱۰} فقدان ارتباط بین حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و معماری موجب شده است که هر کس (معمار یا شهرساز) با توجه به شناخت محدود از انسان، به‌ویژه شناختی که از خود به‌عنوان در دسترس‌ترین و قابل شناخت‌ترین انسان دارد، به ایجاد یک مدل انسانی دست یابد و پس از تعمیم آن و بر اساس آنکه در بیشتر موارد مدل ناقص و غیرمنطبق با تمامی واقعیت است، دست به طراحی بزند؛ در نتیجه پاسخی که به سلسله نیازهای انسان در فضا می‌دهد، در واقع مدل انسانی- شخصی اوست و نه نیازهای واقعی تمام انسان‌ها و یا اکثریت مردم جامعه.^{۱۱} بنابراین، کهن‌الگوها، به‌عنوان یک مؤلفه فرهنگی، جوامع را به سوی آرمان‌ها، آرزوها، امیال عمیق و ناآشکار و مشترک، باورهای مشترک، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری هدایت می‌کنند. زیرا عناصر فرهنگی در نهایت به صورت روش زندگی و در خصوص تأثیرگذاری بر رفتار جمعی نیز، عاملی برانگیزاننده و هنجاری محسوب می‌شوند. این ساخت‌های انگیزشی حیاتی معمولاً جنبه و صورت عینی و کالبدی به خود می‌گیرند.^{۱۲}

7. Renaldo et al. "Archetype and Archetypal image", 181.

۸. عباسلو، «نقد کهن‌الگوگرایانه»، ۸۵.

9. Carl Gustav Jung.

۱۰. پیرانی و احمدسلطانی، «شناسایی و معرفی الگوهای آرکی تایپی (کهن‌الگویی) موجود در تخت سلیمان»، ۲.

۱۱. کلابچی و زینالی فرید، معماری آرکی تایپی، ۲.

۱۲. پهلوان، فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، ۱۳-۱۴.

۲- دسته‌بندی و انواع کهن‌الگو

با توجه به بررسی‌های انجام شده، دسته‌بندی‌های متفاوتی از کهن‌الگوها ارائه شده است، به‌عنوان مثال، در کتاب بیداری قهرمان درون: دوازده کهن‌الگوی یاریگر برای یافتن خویشتن و دگرگونی جهان درون اثر کارول پیرسون^{۱۳} و هیوکی مار^{۱۴} از دوازده کهن‌الگو، یا در پایان‌نامه بررسی کهن‌الگوها در داستان‌های مولوی نوشته زهره صابری به ۸ مورد کهن‌الگوهای اصلی اشاره شده است. ابوالفضل حری در مقاله «کارکرد کهن‌الگوها در شعر کلاسیک و معاصر فارسی در پرتو رویکرد ساختاری به اشعار شاملو» کهن‌الگوها را در دو رده کهن‌الگوهای تصویری و آن‌هایی که جزء مضامین مثالی به‌شمار می‌آیند، دسته‌بندی کرده است. گلابچی و زینالی فرید نیز در کتاب معماری آرکی تایی به ۱۲ کهن‌الگو اشاره کرده‌اند. با توجه به تنوع دسته‌بندی کهن‌الگوها در منابع مختلف، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نمادهای کهن‌الگویی در مثنوی معنوی نوشته عاطفه سادات میر قادری، الگوها را در ۵ دسته کلی معرفی و با اضافه کردن برخی دیگر و همین‌طور کهن‌الگوهای معماری کتاب گلابچی جهت تکمیل کردن، دسته‌بندی زیر را به دست می‌آوریم که در جداول زیر تعریف مختصری خواهد شد و سپس کهن‌الگوهای محراب مسجد جامع تبریز بررسی خواهد شد.

۱. انسانی: آئینما و آئیموس، پیرخردمند، خویشتن (خود)، سایه، قهرمان، مادر، نقاب، عشق، خیر و شر، معصوم، یتیم، جستجوگر.
۲. طبیعی: آب، آسمان، خورشید، درخت، کوه، نور، بهشت گمشده، آتش، نیروی اهریمنی.
۳. موقعیتی: تولد دوباره، خواب، سفر یا گذار قدسی، پرواز، تعیین قلمرو (خانه و شهر)، ورهنگ (بالا، پایین).
۴. عددی: یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، چهل.
۵. هندسی: ماندالا، اسپیرال کیهانی.
۶. کالبدی: ستون کیهانی، گنبد کیهانی (فضا و زمان)، تاق کیهانی.
۷. حیوانی: پروانه، جغد، هما، بزکوهی، سیمرغ، فرشته.

۲-۱- کهن‌الگوی انسانی

این دسته از کهن‌الگوها، مرتبط با ویژگی‌های انسانی است و یا به تعبیر بهتر بیشتر با مسائل شخصیتی و روانی انسان در ارتباط است و شامل ۱۳ زیر مجموعه است.

13. Carol S. Pearson.

14. Hugh K. Marr.

جدول ۱. تعریف انواع کهن‌الگوهای انسانی (گردآوری نگارندگان)

کهن‌الگو	تعریف
آیما و آیموس	خصوصیات جنسیتی متقابل روان، ^{۱۵} آیما به معنای خصایص زنانگی در مردان و آیموس بیانگر خصایص مردانگی در زنان است. ^{۱۶}
پیرخرمند	در عرفان به آن «پیر طریقت» و در دین نبی و رسول و در مذهب شیعه به امام معصوم نیز اشاره دارد. ^{۱۷}
خویشتن (خود)	فرانمود کلیت و تمامیت انسان. ^{۱۸} کار خویشتن، ایجاد توازن میان همه جنبه‌های ناخودآگاه است تا برای تمامی شخصیت، وحدت و ثبات فراهم کند.
سایه	از یکسو تضاد با نور و از سوی دیگر تصویر چیزی فرار و گذرا، غیرواقعی و متغییر. در عرفان اسلامی، تمامی تجلیات حقیقت الهی، به‌عنوان ظل الله (سایه خدا) است. ^{۱۹}
قهرمان	نماد وحدت نیروهای آسمانی و زمینی، صاحب قدرت یک خدای نازل، و یا یک انسان الهی، ^{۲۰} اولین پیروزی قهرمان، پیروزی او بر خودش است. ^{۲۱}
مادر	طبیعت، مادر عالم، فرمانروای معنویان، شاه‌بانوی مردگان و شاه‌بانوی بی‌مرگان، نسیم لذت‌بخش دریا و سکوت رقت‌آور جهان زیرین به اشاره سر او اداره می‌شوند. ^{۲۲}
نقاب	وسیله ارتباط و سازش فرد با اجتماع، ^{۲۳} ماحصل توافق فرد و خواست‌ها و انتظارات جامعه از سوی دیگر. ^{۲۴}
عشق	نماد کلی وصلت ضدین، بالقوگی را به فعل می‌آورد. ^{۲۵} موجب انسجام دورنی وجود، جسم و روان و خودآگاهی و ناخودآگاهی را هماهنگ می‌کند. ^{۲۶}

۱۵. پالمر، فریوید، یونگ و دین، ترجمه محمد دهگانپور و غلامرضا محمدی، ۱۷۳.
 ۱۶. بیلسکر، یونگ، ترجمه حسین پاینده، ۵۴.
 ۱۷. یونگ، انسان و سمبل‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، ۷۸-۷۹.
 ۱۸. یونگ، انسان و سمبل‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، ۱۲۸.
 ۱۹. شوالیه و گریبران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۳/۵۱۲، ۵۱۴.
 ۲۰. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۲۸۴.
 ۲۱. شوالیه و گریبران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۴/۴۹۰.
 ۲۲. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۳۲۶-۳۲۷.
 ۲۳. بیلسکر، یونگ، ترجمه حسین پاینده، ۵۹.
 ۲۴. تبریزی، نگرشی بر روانشناسی یونگ، ۴۷.
 ۲۵. شوالیه و گریبران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۴/۲۷۳.
 ۲۶. سرانو، با یونگ و هسه، ترجمه جلال ستاری، ۱۱۴.

جعفری و دیگران؛ بازخوانی کهن‌الگوهای محراب گچی مسجد جامع تبریز، تحفه ای از عصر ایلخانی / ۹۵

خیر و شر	تعادل، جنگ، قدرت، مرگ، زندگی و پیروزی نیک در برابر بد. ^{۲۷}
معصوم	اولین کهن‌الگو که در مرحله عزیمت در آدمی فعال می‌شود، معصوم است. ^{۲۸}
یتیم	بخشی از ما که شرایط آسیب‌پذیر را تشخیص می‌دهد و از آن دور می‌کند.
جستجوگر	در سفر قهرمان همواره مکانی وجود دارد که باید آن را پیدا کرد، کنجکاوی.
آفرینشگر	نمادهای الوهیت عمدتاً همان نمادهای پدر، قاضی، قادر متعال و شاه هستند. ^{۲۹}

۲-۲- کهن‌الگوهای طبیعی

این کهن‌الگوها به‌طور کلی الگوهای مرتبط با عناصر طبیعی است که ۹ زیر مجموعه دارند:

جدول ۲. تعریف انواع کهن‌الگوهای طبیعی (گردآوری نگارندگان)

کهن‌الگو	تعریف
آب (دریا)	چشمه حیات، وسیله تزکیه و مرکز زندگی دوباره. ^{۳۰} آب، راز آفرینش، تولد، مرگ، رستاخیز، تطهیر، رستگاری، باروری و رشد است. ^{۳۱}
آسمان	مفهوم مطلق آرزوهای بشری. ^{۳۲} آسمان نمادی جهانی است، و از طریق آن، باور به موجودی الهی و علوی، یعنی خالق جهان و ضامن باروری زمین. ^{۳۳}
خورشید	منبع پرتوافشانی و نجات‌دهنده از تیرگی و منشأ نشاط. نیروی متعال کیهانی، تجلی خدا، قلب کیهان، مرکز وجود و معرفت شهودی، چشم جهان، فرّ. ^{۳۴}
درخت	رمز و آفرینش کیهان، ^{۳۵} نماد زندگی و مظهر قائمیت، برای مسلمانان، درخت که از خاک و آب تغذیه و از آسمان هفتم می‌گذرد، نشانه حقیقت است. ^{۳۶}

۲۷. مسکوب، سوگ سیاوش، ۲۰-۲۳.

۲۸. فوردهام، مقدمه‌ای بر روانشناسی یونگ، ترجمه مسعود میر بهاء، ۸۹.

۲۹. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۶۹/۳.

۳۰. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۳/۱.

۳۱. بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، ۳۷.

۳۲. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۱۹۷/۱.

۳۳. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۱۸۶/۱.

۳۴. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کریاسیان، ۱۳۲.

35. Ryan, *The strong eye of shamanism: a journey into the caves of consciousness*, 45.

۳۶. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۱۹۰-۱۸۷/۳.

کوه کیهانی	بالای هر کوه خدا است، کوه ستون آسمان و صعود به آن به معنای صعود به آسمان بود، عامل ارتباط زمین و آسمان، ^{۳۷} نماد پایداری، ابدیت، استحکام و سکون. ^{۳۸}
نور	تجلی اخلاق، معنویت، تعقل و فضیلت اخلاقی، ^{۳۹} جاودانگی، پاکی، امید، تولد دوباره، فرد مقدس، نشانه‌ای از پاک مطلق. ^{۴۰}
بهشت گمشده	باغی حصاردار، جزیره‌ای پر درخت، مرکز کیهانی، ارتباط کامل بین خدا، انسان و همه موجودات زنده، جایگاه بی مرگی، محل بی‌زمان، ورود به زمان آغازین، زمان کبیر. ^{۴۱}
آتش	نمادی از ظهور و تجلی ملکوت معنا در عالم مادی و مظهري از طبیعت روحانی است و گذر از آن (آزمون آتش) مرحله‌ای از تشریف و عروج به مقامی بالاتر است. ^{۴۲}

۲-۳- کهن‌الگوهای موقعیتی

این کهن‌الگوها شامل مواردی است که نسبت به موقعیت و جایگاهی تعریف شده‌اند:

جدول ۳. تعریف انواع کهن‌الگوهای موقعیتی (گردآوری نگارندگان)

کهن‌الگو	تعریف
مرگ و تولد دوباره	از مهم‌ترین آرزوها و خواست‌ها بی‌مرگی و زندگی جاوید است، ولادت مجدد یعنی تولدی تازه در طی حیات فردی. ^{۴۳}
خواب	خواب نماد مرگ، پایان روشنی، پایان زندگی. ^{۴۴}
سفر، گذار قدسی	میل عمیق به تغییر درون، سفر نشانه نارضایتی است و منجر به جست و کشف تازه می‌شود. ^{۴۵}
پرواز	نشانه میل صعود به مکان مقدس، جست و جوی هماهنگی درونی و فراگذشتن از برخوردها، ^{۴۶}

۳۷. بهمنی، سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران، ۵۱-۵۲.

۳۸. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۲۹۸.

۳۹. سرلو، فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، ۷۸۹.

40. Zeinali Farid, "Architecture Based on Archetype", Vol. 5, 405-432.

۴۱. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۶۳.

۴۲. پورخالقی چترودی و قانمی، «تحلیل نمادینگی آتش در اساطیر بر مبنای نظریه همترازی و رویکرد نقد اسطوره ای (با تمرکز بر اساطیر ایران و شاهنامه فردوسی)»، ۹۵.

۴۳. یونگ، چهار صورت مثالی، ترجمه پروین فرامرزی، ۶۲-۶۵.

۴۴. یونگ، مشکلات روانی انسان مدرن، ترجمه محمود بهفری، ۱۵.

۴۵. شوالیه و گربران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۳/ ۵۸۷.

۴۶. شوالیه و گربران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۲/ ۲۰۸.

جعفری و دیگران؛ بازخوانی کهن‌الگوهای محراب گچی مسجد جامع تبریز، تحفه ای از عصر ایلخانی / ۹۷

استعلا، رهایی روح از مرده، گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر. ^{۴۷}	
تعیین قلمرو	لانه، آشیانه، ساخت مکان امن و حریمی قابل دفاع در مقابل شرایط سخت. ^{۴۸}
ورهنگ	بالا و پایین، «بالا» به‌عنوان سمبل امر آسمانی، قدسی و مطلوب، و «پایین» به‌عنوان امر زمینی، پست و نامطلوب. ^{۴۹}

۲-۴- کهن‌الگوهای حیوانی

حیوان به‌عنوان یک نمونه ازلی، نشانه لایه‌های عمیق ضمیر ناخودآگاه و غریزه است. حیوان‌ها، نماد اصول و نیروهای کیهانی، مادی یا روحی هستند.^{۵۰}

جدول ۴. تعریف انواع کهن‌الگوهای حیوانی (گردآوری نگارندگان)

کهن‌الگو	تعریف
پروانه	نماد عاشق و شمع نماد معشوق، جان، بی‌مرگی، تولد دوباره، ایزد بانوی کبیر. ^{۵۱}
جغد	نماد اندوه، ظلمت، انزوا، خلوتی مالیخولیایی، نشانگر سرما، شب، مرگ. ^{۵۲}
هما	مرغ سعادت، در ادبیات فارسی نماد فر و شکوه، شگون نیک، هما، بزرگواری، شرف و قناعت، مقابل کلاغ است، نماد حرص و ولع. ^{۵۳}
بز کوهی	بز مظهر فراوانی، رب النوع رویدنی‌ها و در شاخ آن قدرتی جادویی پنهان بود. ^{۵۴}
سیمرغ	مرشد عرفانی و مظهر ذات حق، نماد نفس پنهان، ^{۵۵} نماد خرد و مداوا، نماد الوهیت، انسان کامل، جاودانگی و ذات واحد مطلق. ^{۵۶}
فرشته	حکم‌وزیران خداوند، پیام آور، نگهبان، مجری قوانین الهی و ... ^{۵۷}

۴۷. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۷۳.

۴۸. گلابچی و زینالی فرید، معماری آرکی تایی، ۱۸۶.

۴۹. مرتضوی، روانشناسی محیطی؛ یراتی، «باغ و باغسازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی»، ۲.

۵۰. شوالیه و گریبران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۴۱/۳.

۵۱. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۷۳.

۵۲. شوالیه و گریبران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۴۳۴/۲.

۵۳. شوالیه و گریبران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۵۸۸/۵.

۵۴. حاتم، «نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران»، ۳۶۴.

۵۵. شوالیه و گریبران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۷۱۱/۳.

۵۶. بهمنی، سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران، ۱۳۷.

۵۷. شوالیه و گریبران، فرهنگ نمادها، ۳۸۶/۴.

۲-۵- کهن‌الگوهای عددی

یکی از انواع کهن‌الگوها، اعداد است. کنار گذاشتن اعداد از زندگی روزمره ممکن نیست. پُلّی در کتاب رؤیا و تعبیر رؤیا، شگفت‌انگیزترین اختراع بشر را عدد می‌شمارد.

جدول ۵. تعریف انواع کهن‌الگوهای عددی (گردآوری نگارندگان)

کهن‌الگو	تعریف
یک	نماد موجودیت، کشف و الهام، «یک» وحدت است، وحدت وجود مطلق؛ وحدتی نه به مقیاس رایج، بلکه وحدت متعالی، خدای واحد. ^{۵۸}
دو	«دو» مظهر تضاد و نوعی درهم ریختگی، رمز تعارض یا آرامش موقت نیروها، نشانه گذشت زمان، ثنویت و تضاد، شب و روز، روشنی و تاریکی، آبادی و ویرانی، خوبی و بدی و... ^{۵۹}
سه	بیانگر نور و روحانیت همراه با نوعی وحدانیت. ^{۶۰} عدد بنیادی، نشانگر نظامی فکری و روحی در ارتباط با خداوند، کیهان و آدمی است. ^{۶۱}
چهار	کامل‌ترین عدد، کمال الهی، چهار باد، چهار ستون عالم، چهار بهشت و... ^{۶۲}
پنج	علامت وصلت، مرکز، هماهنگی و توازن، ^{۶۳} نماد مراقبه، دین، وساطت و تغییرپذیری، گل‌های پنج پر مظهر عالم صغیرند. ^{۶۴}
شش	عدد سرنوشت معنوی، کمال قدرتمند، خلقت عالم در ۶ روز و ۶ جهت. ^{۶۵}
هفت	هفت آسمان و زمین، ^{۶۶} عدد عالم، تمامیت، با سه آسمان و جان، چهار زمین و بدن. عددی هم مادی و هم معنوی، کمال، امنیت، وفور، روزهای هفته، نت موسیقی و... ^{۶۷}
چهل	امتحان، محاکمه، راز آشنایی، مرگ، مظهر کلیت و تمامیت، ^{۶۸} انتظار، آمادگی، آزمایش و تنبیه. ^{۶۹}

۵۸. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۶۳۹-۶۳۸.

۵۹. شمیسا، انواع ادبی، ۱۵۳۳.

۶۰. کاسیرر، فلسفه صورت‌های سمبلیک، ترجمه یدالله موذن، ۲۴۱.

۶۱. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۶۶۲/۳.

۶۲. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۵۵۱/۲.

۶۳. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۲۴۲/۲.

۶۴. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۲۹.

۶۵. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۵۶/۴.

۶۶. فرای، رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات، ترجمه صالح حسینی، ۲۱۷.

۶۷. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۳۰.

۶۸. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، ۳۶.

۶۹. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۵۷۶/۲.

۲-۶- کهن‌الگوهای کالبدی

این دسته، از کهن‌الگوهایی است که مرتبط با عناصر حجمی و تصویری یا همان کالبدی است:

جدول ۶. تعریف انواع کهن‌الگوهای کالبدی (گردآوری نگارندگان)

کهن‌الگو	تعریف
ستون کیهانی	در مفهوم پیوند میان زمین و آسمان. ^{۷۰}
گنبد کیهانی	نماد آسمان و بناهایی که گنبد بر آن‌ها سوار شده، کنایه از دنیا است. ^{۷۱}
طاق کیهانی	نشانگر طاق آسمان، رنگین‌کمان، مسیر قوسی خورشید، غار و نردبانی به سوی بهشت، ^{۷۲} نماد پیروزی دائمی روح تعالی‌گر بر ثقل مادی است. ^{۷۳}

۲-۷- کهن‌الگوهای هندسی

کهن‌الگوهای هندسی، الگوهایی است که از لحاظ هندسه و چینش اشکال مختلف همواره در گذر زمان مورد توجه بوده‌اند که شامل ۲ نوع ماندالا و اسپیرال است.

جدول ۷. تعریف انواع کهن‌الگوهای هندسی (گردآوری نگارندگان)

کهن‌الگو	تعریف
ماندالا	انگاره کیهانی برای حصر فضای مقدس، رسوخ به مرکز مقدس، نمادی برای جهان هستی، یکپارچگی و ... ^{۷۴} الگوی هستی و نظامی بر مبنای تجسم مکاشفه‌ای. ^{۷۵}
اسپیرال	حلزون یا مارپیچ، «ما را به نقاط ابتدایی و اصلی مان در گذشته برده و می‌آورد و به آینده سوق می‌دهد. تصویرگر آسمان‌گردان، مسیر خورشید، گردش زمین. ^{۷۶}

۳- عصر ایلخانی

دوره ایلخانی در آذربایجان یکی از مهم‌ترین ادوار آفرینش سبک‌های متنوع محلی در حیطه هنر و معماری است که تأثیر آن بر شکل‌گیری سنت‌های هنری ایران قابل توجه است. طی این دوره با توجه به مرکزیت

۷۰. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۳/ ۵۵۷.

۷۱. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۴/ ۷۵۳.

۷۲. گلابچی و زینالی فرید، معماری آرکی تایی، ۲۰.

۷۳. شوالیه و گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضانلی، ۴/ ۲۰۵.

۷۴. گلابچی و زینالی فرید، معماری آرکی تایی، ۹.

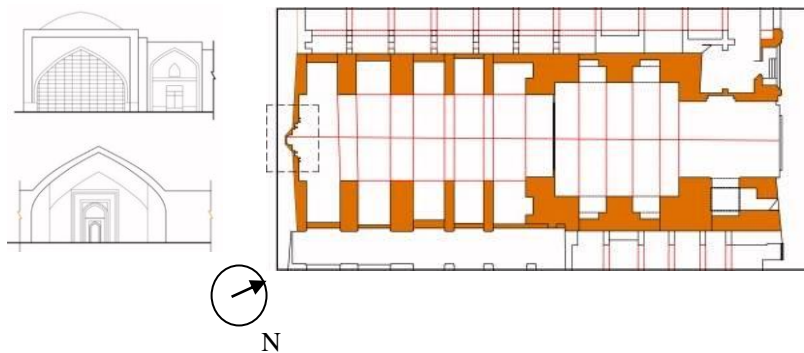
۷۵. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کریاسیان، ۲۳۸.

۷۶. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کریاسیان، ۲۳۶.

حکومت در منطقه و توجه خاص سلاطین مغول به آئین اسلام، شهرهای آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود و ضمن گرایش به عظمت‌گرایی در معماری ابنیه در چهارچوب دوره اول سبک آذری، تلاش شایان توجهی در تزیینات محراب‌های مساجد به‌عنوان برجسته‌ترین اندام معماری اسلامی، صورت گرفته است. در مجموعه بناهای دوره ایلخانی از انواع روش‌ها و مواد و مصالح برای زیباسازی فضاهای معماری استفاده شده، اما گچ‌بری مهم‌ترین عنصر شناخته شده در تزیینات وابسته به معماری این دوره است. تقریباً «گچ‌بری تودرتوی سه بعدی مدت سه قرن رواج فراوانی یافت». ما در این زمان، شاهد پرکارترین و زیباترین کتیبه‌ها، محراب‌ها و تزیینات گچی هستیم. از دوره ایلخانان حدود ۴۲ محراب باقی‌مانده که چند عدد آن‌ها در محل اصلی خود نیستند بلکه در موزه‌ها به نمایش گذاشته شده‌اند که یکی از این محراب‌ها، محراب مسجد جامع تبریز است.^{۷۷}

۴- مسجد جامع تبریز

تاریخ دقیق بنای اولیه مسجد جامع مشخص نیست. هسته اولیه مسجد، نمازخانه‌ای به نام جامع تبریز بوده و طی دوره‌های مختلف، عناصری به مسجد اضافه شده است. بنای اولیه مسجد در زلزله ۱۱۹۳ هجری قمری آسیب زیادی دید؛ بعد از آن، حسینقلی خان دنبلی، آن را مرمت و بازسازی کرد. در دوره قاجار نیز تعمیراتی صورت گرفت. دسترسی مسجد از طریق دو هشتی در جبهه شمالی آن ممکن است. در قسمت جنوبی محرابی رفیع با کتیبه‌ای زیبا دورتادور قاب آن نقش بسته است.^{۷۸} در مجموعه بناهای دوره ایلخانی از انواع روش‌ها و مواد و مصالح برای زیباسازی فضاهای معماری استفاده شده، اما گچ‌بری مهم‌ترین عنصر شناخته شده در تزیینات وابسته به معماری این دوره است.



تصویر ۱. پلان و نما و مقطع مسجد جامع تبریز و محل قرارگیری محراب (ترسیم نگارندگان)

۷۷. پوپ، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، ۱۵۶.

۷۸. اسمعیلی سنگری و ایلاتی، «بازخوانی اسناد کتیبه‌ای غیرمنقول در میراث جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز»، ۱۱۲.

۴-۱- محراب مسجد جامع تبریز

محراب مسجد، طاق‌نمایی است که جهت نمازگزاری را نشان می‌دهد، در واقع کوچک شده محراب (Apse) کلیسای مسیحی است که مذبح (Altar) را در خود دارد.^{۷۹} در قرآن مجید چهار مورد کلمه محراب و یک مورد به صورت محاریب آمده است. صدر مسجد را هم محراب مسجد گفته‌اند.^{۸۰} محراب، شریف‌ترین مکان مسجد^{۸۱} و مکانی است که مخصوص عبادت باشد، چه از مسجد و چه از خانه. ابداع محراب توفیق آشکاری به‌عنوان یک نماد و مرکز توجه عبادت بود و همین امر آینده آن را تضمین کرد و به تدریج جزء اصلی حتی کوچک‌ترین مساجد شد و حتی در مدارس، مقابر، کاروانسراها و سایر بناها نیز یافت شد.^{۸۲} محراب مسجد جامع تبریز دارای ابعادی مستطیل شکل و یک یا دو طاق‌نما و قوس در وسط و یک کتیبه اصلی در پیرامون و مابین نقوش اسلیمی گیاهی و هندسی درهم پیچیده شده است. طول این کتیبه هجده متر و هشتاد سانتیمتر و عرض آن یک متر و چهل سانتیمتر است.^{۸۳}



تصویر ۲. تصاویر محراب مسجد و خطوط و شکل کلی آن (عکاسی و ترسیم نگارنده)

۷۹. هیلن برند، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، ۴۵.

۸۰. طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، ۱۷۵.

۸۱. ابن منظور، ذیل: محراب.

۸۲. هیلن برند، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، ۴۶.

۸۳. مکی نژاد؛ آیت الهی و هراتی، «تناسب و ترکیب در کتیبه محراب مسجد جامع تبریز»، ۸۳.

۲-۴- خوانش و تفسیر متن کتیبه

متن کتیبه آیات اول تا هفتم سوره مومن است.

ترجمه و تفسیر کتیبه: به نام خداوند بخشنده مهربان. همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند. (۱) آنان که در نماز خود خاضع و خاشعند. (۲) و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض و احتراز می‌کنند. (۳) و آنان که زکات (مال خود را به فقرا) می‌دهند. (۴) و آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می‌دارند. (۵) مگر بر جفت‌هاشان (که زنان عقدی آن‌ها باشند) یا کنیزان ملک‌ی متصرفی آن‌ها که هیچ‌گونه ملامتی (در مباشرت این زنان) بر آن‌ها نیست. (۶) و کسی که غیر این (زنان حلال) را به مباشرت طلبد البته چنین کسانی ستمکار و متعدی خواهند بود. (۷)

جدول ۸. تفاسیر آیات کتیبه (ترسیم و تحلیل نگارندگان)


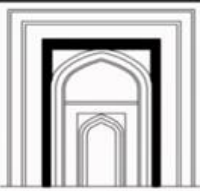



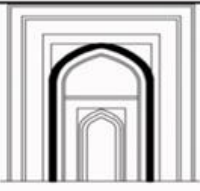

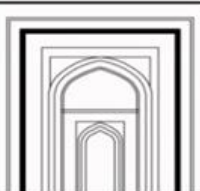



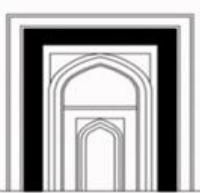



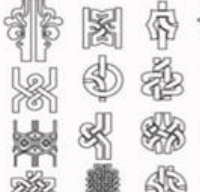




آیه	تفسیر و پیام	نکته
۲و۱	۱. رستگاری حتمی مؤمنان. ۲. ایمان، شرایط و نشانه‌هایی دارد. ۳. نماز، در رأس برنامه‌های اسلام. ۴. اهمیت حالت و کیفیت در نماز.	ایمان و خشوع
۳	۱. نشانه مؤمن، دوری از لغو است. باید در تمام کارهای خود، هدف صحیح داشته باشد. ۲. دوری از لغو، به اندازه‌ای مهم است که بین نماز و زکات ذکر شده است (آیه ۲ و ۴).	گریز از بیهودگی
۴	۱. اهمیت زکات در اسلام مانند اهمیت نماز است. ۲. ایمان به تنهایی کافی نیست، عمل هم لازم است. ۳. زکات، یکی از پنج ستون بنای اسلام است. ۴. پیامبر (ص) افرادی که زکات نمی‌دادند، از مسجد بیرون کرد؛ زیرا نماز و زکات با هم است، نه جدا از هم. ۵. حضرت مهدی (ع) در انقلاب خود، با تارکان زکات برخورد می‌کند. ۶. کسی که زکات ندهد، هنگام مرگ به دین اسلام از دنیا نمی‌رود. ۷. امام صادق (ع): اگر مردم زکات واجب خود را بدهند، هیچ فقیری باقی نمی‌ماند.	پاکیزگی اموال

جعفری و دیگران؛ بازخوانی کهن‌الگوهای محراب گچی مسجد جامع تبریز، تحفه ای از عصر ایلخانی / ۱۰۳

پاکدامنی و	۱. پاکدامنی، شرط ایمان و آلودگی نشانه ضعف ایمان است.	۶ و ۵
همسرگزینی	۲. غریزه جنسی، طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد. ۳. در ارضای غریزه جنسی، محدودیت لازم و ممنوعیت خلاف فطرت است. ۴. ازدواج، راهکار اسلام برای ارضای نیاز جنسی است. ۵. جوانی که با عنوان آزادی جنسی و ... ازدواج را ترک می‌کند، قابل ملامت است؛ نه آنکه تن به ازدواج می‌دهد. ۶. هر راهی غیر از ازدواج، برای ارضای نیاز جنسی، تجاوز به حدود الهی است.	۷ و

این کتیبه در مجموع دارای ۳۸ کلمه است. کلمه «اللغو» در مرکز و محور عمودی محراب و کلمات «حافظون و للزکاه» در گوشه سمت چپ و راست محراب واقع شده‌اند. یکی از مهم‌ترین نکات قابل توجه این کتیبه، هماهنگی و نظام پیوسته‌ای است که از نظام کلامی و نظام گیاهی فراتر رفته و به سمت یک وحدت کلی حرکت می‌کند. البته این سه نظام در پیوند با هم تعریف می‌شوند هر چند به صورت جداگانه نیز دارای ارزش زیبایی‌شناسی خاص خود هستند. در کتیبه‌نگاری تعیین عرض و پهنای قلم به نسبت طول و عرض کتیبه، دارای نقش کلیدی است، عرض و پهنای قلم ۶ سانتیمتر است.^{۸۴} در جدول شماره ۹ با ترسیم نقوش و مشخص کردن محل آن‌ها در محراب، کهن‌الگوهای موجود را بررسی خواهیم کرد.

^{۸۴}. مکی نژاد؛ آیت‌اللهی و هراتی، «تناسب و ترکیب در کتیبه محراب مسجد جامع تبریز»، ۸۴.

تصویر	محل نقش	تصویر	محل نقش
			
			
			
			
			

بسم الله الرحمن الرحيم
 ههاتلح اللمنون (۱) اللین هم فر سلفهم عاشقون (۲)
 والین هم عن اللتر مرسون (۳) والین هم لزلکاه لاطلون (۴)
 والین هم لروجهم حاطلون (۵)
 الا علی ازواجهم او مملکت ایمانهم فانهم غیر ملوکین (۶)
 من ابتلی وراه ذلک لاولیک هم المادون (۷)
 بلا نامی ترکیبات کتیبه بصورت جدا در تصاویر بالا ترسیم و بررسی شده است.

تصویر ۳. نقوش محراب با محل قرارگیری آن ها در محراب (گردآوری نگارندگان)

۴-۳- کهن‌الگوها در محراب



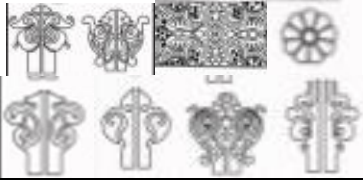

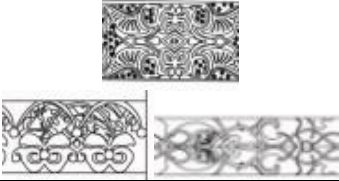
در نهایت بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده در ترجمه و تفسیر آیات، شکل‌های تصویری شماره ۳ و اطلاعات کتیبه محراب، و دسته‌بندی کهن‌الگوها در جداول ۱ تا ۷، کهن‌الگوهای محراب در جداول زیر آمده است. در ستون اول عنوان و نوع الگو، در ستون دوم محل الگوی استفاده شده در محراب، ستون سوم ترسیم محل الگو در محراب (در صورت تصویری بودن الگو)، ستون چهارم تصویری یا مفهومی بودن الگو در محراب و در نهایت ستون پنجم محل تعریف‌های جداول ۱ تا ۷ مرتبط با الگو است و در انتهای هر جدول کهن‌الگویی جمع‌بندی همان جدول آورده شده است.

جدول ۹. بررسی کهن‌الگوهای انسانی موجود در محراب (تحلیل و ترسیم نگارندگان)

کهن‌الگو	محل	ترسیم	نوع	توضیح و تحلیل
خویشتن	کل محراب	-	مفهومی	انسان در مقابل محراب به خود می‌اندیشد.
	۳	آیات ۵، ۶، ۷ (جدول ۱)	مفهومی	پاک‌دامنی، شرط ایمان و آلودگی نشانه ضعف ایمان است.
سایه	کل محراب	-	تصویری	سایه‌های ایجاد شده توسط برجستگی‌های گچ‌بری زیبایی خاصی به آن می‌دهد.
عشق	کل محراب	-	مفهومی	عشق به خالق در مقابل جایگاه محراب.
خیر و شر	کل محراب	-	مفهومی	محراب در یک تعبیر محل حرب است.
	۳	آیات ۵، ۶، ۷	مفهومی	غریزه جنسی طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد.
یتیم	کل محراب	-	مفهومی	در مقابل محراب و معبود خود به‌تنهایی حضور می‌یابیم.
جستجو گر	کل محراب	-	مفهومی	انسان همواره در جستجوی خدای خود است.
آفرینشگر	۳		مفهومی	ترجمه کتیبه: به نام خداوند بخشنده مهربان
جمع‌بندی (تحلیل نگارندگان)		کهن‌الگوهای انسانی موجود در محراب بیشتر به‌صورت مفهومی و دربرگیرنده مفاهیمی چون:		

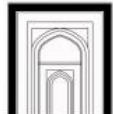
<ul style="list-style-type: none"> • توجه و عشق به خالق و جستجوی او. • توجه و تفکر به نفس و ایمان و درون انسان. • انسان در مقابل معبود به‌تنهایی و با اعمال خود حضور دارد. • تقابل خیر و شر. • کنترل امیال جنسی. 	
---	--

جدول ۱۰. بررسی کهن‌الگوهای طبیعی موجود در محراب (تحلیل و ترسیم نگارندگان)

توضیحات	نوع	ترسیم	محل	کهن-الگو
قراگیری قوس بالای محراب جلوه‌گر آسمان است.	مفهومی		۸	آسمان
این الگو در مقیاس کوچک در کل محراب تکرار می‌شود.	تصویری		کل محراب	خورشید
نقوش گیاهی در محراب پراکنده هستند و به‌وفور دیده می‌شوند.	تصویری		کل محراب	درخت
طاق موجود در محراب جلوه‌ای از کوه کیهانی است.	مفهومی		۸	کوه
نقوش گیاهی بهشت را تصویرسازی می‌کند.	تصویری		کل محراب	بهشت
غریزه جنسی طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد.	مفهومی	ترجمه آیه ۵، ۶، ۷ کتیه	۳	نیروی اهریمنی
کهن‌الگوهای طبیعی موجود در محراب با توجه به وسعت سطح استفاده، سعی در تصویرسازی زیبایی‌های بهشتی و یادآوری خالق در آسمان‌ها است.				جمع‌بندی

جعفری و دیگران؛ بازخوانی کهن‌الگوهای محراب گچی مسجد جامع تبریز، تحفه ای از عصر ایلخانی / ۱۰۷

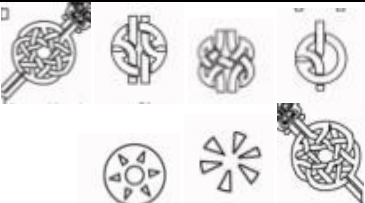
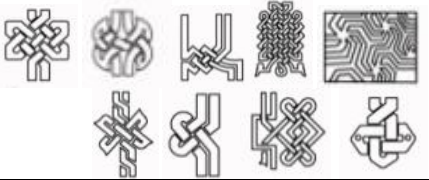
جدول ۱۱. بررسی کهن‌الگوهای موقعیتی موجود در محراب (تحلیل و ترسیم نگارندگان)

کهن-الگو	محل	ترسیم	نوع	توضیح
سفر	۳	-	مفهومی	ترجمه آیه ۱: رسیدن اهل ایمان به رستگاری.
پرواز	کل محراب	-	مفهومی	در جایگاه محراب سفر معنوی است.
تعیین قلمرو	۱		تصویری	خطوط دور محراب، قلمرو محراب را مشخص می‌کند.
ورهنگ (بالا، پایین)	کل محراب		تصویری	تیزی طاق محراب بالا و پایین آن را مشخص می‌کند.
جمع‌بندی	کهن‌الگوهای موقعیتی حرکت به سمت بالا و رسیدن به رستگاری را تداعی می‌کند.			

جدول ۱۲. بررسی کهن‌الگوهای عددی موجود در محراب (تحلیل و ترسیم نگارندگان)

کهن-الگو	محل	ترسیم	نوع	توضیح
یک	کل محراب	-	مفهومی	هماهنگی و نظام پیوسته‌ای است که از نظام کلامی و نظام گیاهی فراتر رفته و به سمت یک وحدت کلی حرکت می‌کند.
دو	کل محراب		تصویری	ترجمه آیه ۱: به نام خداوند بخشنده مهربان قوس بالای محراب روی ۲ پایه است.
چهار	کل محراب		تصویری مفهومی	محراب به شکل مستطیل و نشانگر ۴ وجه و جهت است.
شش	۳		تصویری	عرض و پهنای قلم کتیبه محراب ۶ سانتیمتر است.
هفت	۳		تصویری	۷ آیه از سوره مومنون در محراب نوشته شده است.
چهل	۳		تصویری	کتیبه ۳۸ کلمه دارد.
جمع‌بندی	کهن‌الگوهای عددی به صورت نمادین سعی در نمایش یگانگی خدا و بعضی ارقام مقدس بر اساس ویژگی‌های تصویری، تعداد و اندازه هستند.			

جدول ۱۳. بررسی کهن‌الگوهای هندسی موجود در محراب (تحلیل و ترسیم نگارندگان)

کهن-الگو	محل	ترسیم	نوع	توضیحات
ماندالا	۳		تصویری	گچ‌بری‌ها به الگوی ماندالا انجام شده‌اند.
اسپیرال	۳		تصویری	گچ‌بری‌ها به الگوی اسپیرال انجام شده‌اند.
جمع‌بندی		کهن‌الگوهای هندسی به‌صورت تصویری سعی در نمایش مفاهیم نمادین اسپیرال و ماندالا دارند.		

جدول ۱۴. بررسی کهن‌الگوهای کالبدی موجود در محراب (تحلیل و ترسیم نگارندگان)

کهن-الگو	محل	ترسیم	نوع	توضیحات
ستون	کل محراب		تصویری	طاق محراب بر روی دو ستون قرار دارد.
	۳	ترجمه آیه ۱ و ۲	مفهومی	نماز ستون اسلام است.
طاق	کل محراب		تصویری	بخش بالای محراب طاق وجود دارد.
جمع‌بندی		کهن‌الگوهای کالبدی به‌صورت تصویری چهارچوب کلی محراب را تشکیل می‌دهند.		

جعفری و دیگران؛ بازخوانی کهن‌الگوهای محراب گچی مسجد جامع تبریز، تحفه ای از عصر ایلخانی / ۱۰۹

با بررسی کهن‌الگوهای حیوانی در محراب، هیچ مورد تصویری و مفهومی مرتبط با این دسته کهن-الگوها مشاهده نشد. با جمع‌بندی جداول ۹ تا ۱۴، از لحاظ کهن‌الگوهای موجود در محراب جدول شماره ۱۵ را به دست آورده‌ایم:

جدول ۱۵. جمع‌بندی جداول شماره ۹-۱۴ کل کهن‌الگوهای موجود در محراب (نگارندگان)

انسانی	طبیعی	موقعیتی	حیوانی	عددی	هندسی	کالبدی
آنیما و آنیموس	-	آب	-	تولد دوباره	-	پروانه
پیر خردمند	-	آسمان	*	خواب	-	جغد
خویشتن	*	خورشید	*	سفر- گذار قدسی	-	هما
سایه	*	درخت	*	پرواز	*	بزرگویی
قهرمان	-	کوه کیهانی	*	تعیین قلمرو	-	سیمرغ
مادر	-	نور	-	ورهنگ (بالا، پایین)	*	فرشته
عشق	*	بهشت گمشده	*	هفت	*	
خیر و شر	*	نیروی اهریمنی	*	چهل	*	
نقاب	-	آتش	-			
معصوم	-					
یتیم	*					
جستجوگر	*					
آفرینشگر	*					

با شمارش تعداد انواع الگوهای استفاده شده از جدول ۱۵، جدول زیر نتیجه می‌شود:

جدول ۱۶. تعداد نوع کهن الگوهای موجود در محراب (نگارندگان)

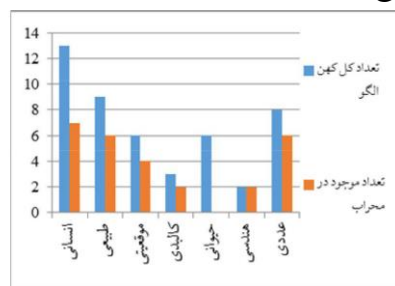
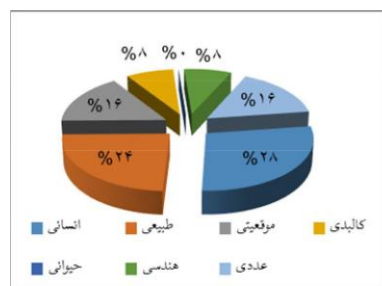
انسانی		طبیعی		موقعیتی		حیوانی		عددی		هندسی		کالبدی	
تعداد کل	تعداد موجود	تعداد کل	تعداد موجود	تعداد کل	تعداد موجود	تعداد کل	تعداد موجود	تعداد کل	تعداد موجود	تعداد کل	تعداد موجود	تعداد کل	تعداد موجود
۱۳	۷	۹	۶	۶	۴	۶	۰	۸	۶	۲	۲	۳	۲

در این جدول باتوجه به تعداد انواع ۷ نوع کهن الگوهای اصلی اشاره شده در جدول ۱۵، تعداد نوع‌های موجود به دست آمده از خوانش محراب در کنار تعداد کل انواع کهن الگوها آورده شده است.

نتیجه‌گیری

با جمع‌بندی تحلیل‌هایی که از بررسی نقوش کهن الگوی محراب مسجد به دست آمده است، برخی از کهن الگوها به صورت مفهومی در محراب نهفته هستند و برخی دیگر به صورت کاملاً تصویری و قابل دیدن است. بهترین روش برای جمع‌بندی نتایج استفاده از نمودارها است. به دلیل حجم بالای نقوش و وسعت کار نمی‌توان از نظر تعداد تکرار نقوش به نتایج دقیقی دست یافت. با توجه به دسته‌بندی اولیه‌ای که در ابتدای پژوهش انجام شده است، نمودارهای زیر از جدول ۱۶ نتیجه شده است:

همان‌طور که از نمودار شماره ۱ مشخص است، بیشترین نوع کهن الگوها از نوع کهن الگوهای انسانی بوده که بیشترین نوع را در محراب به خود اختصاص داده است. همچنین هیچ کهن الگوی حیوانی در محراب مشاهده نشده است. از ۷ نوع کهن الگوی دسته‌بندی شده، فقط نوع کهن الگوی هندسی است که از هر ۲ نوع آن در محراب وجود دارد.



نمودار ۱. نمایش تعداد و درصدی الگوهای موجود در محراب نسبت به کل کهن الگوها
 همچنین از نمودارها به دست می‌آید که، از ۴۷ نوع کهن الگوی دسته‌بندی شده، بیشترین تعداد نوع کهن الگوهای موجود در محراب، به ترتیب نوع انسانی با ۲۸ درصد از کل، طبیعی ۲۴ درصد و عددی و

جعفری و دیگران؛ بازخوانی کهن‌الگوهای محراب گچی مسجد جامع تبریز، تحفه ای از عصر ایلخانی / ۱۱۱

موقعیتی با ۱۶ درصد، هندسی و کالبدی با ۸ درصد و در نهایت حیوانی با صفر درصد به دست آمده است. از طرفی با بررسی تعداد تکرار ۴۷ کهن‌الگو در دسته‌بندی هفتگانه از جداول، در اکثر انواع آن، از هر نوع کهن‌الگوی ذکر شده فقط یک نمونه یافت شده است. اما در کهن‌الگوی خویشتن، خیر و شر، عدد یک، و ستون، از هر نوع کهن‌الگو دو مورد به دست آمده است.

در کهن‌الگوهای هندسی ماندالا و اسپیرال، تعداد نوع استفاده شده زیاد بود و تعداد تکرار هر نوع غیرقابل شمارش است. همچنین کهن‌الگوی درخت و بهشت نیز با در نظر گرفتن نقوش گیاهی، در کل محراب به صورت درهم تنیده و پیچیده وجود دارند.

در نهایت اگر بخواهیم مضامین کهن‌الگوهای موجود در محراب مسجد جامع تبریز را نتیجه‌گیری کنیم و برای استفاده در طراحی‌های آینده از آن‌ها استفاده کنیم، با جمع‌بندی تحلیل‌های جداول ۱۰ تا ۱۵، به مفاهیم زیر دست یافته‌ایم:

کهن‌الگوهای انسانی موجود در محراب دربرگیرنده مفاهیم زیر است:

۱. توجه و عشق به خالق و جستجوی او.

۲. توجه و تفکر به نفس، ایمان و درون انسان.

۳. انسان در مقابل معبود به تنهایی و با اعمال خود حضور دارد.

۴. تقابل خیر و شر.

۵. کنترل امیال جنسی.

کهن‌الگوهای طبیعی موجود در محراب با توجه به وسعت سطح استفاده، سعی در تصویرسازی زیبایی‌های بهشتی و یادآوری خالق در آسمان‌ها است.

کهن‌الگوهای موقعیتی حرکت به سمت بالا و رسیدن به رستگاری را تداعی می‌کند.

کهن‌الگوهای عددی به صورت نمادین سعی در نمایش یگانگی خدا و بعضی ارقام مقدس بر اساس ویژگی‌های تصویری، تعداد و اندازه هستند.

کهن‌الگوهای هندسی به صورت تصویری سعی در نمایش مفاهیم نمادین اسپیرال و ماندالا دارند.

کهن‌الگوهای کالبدی به صورت تصویری چهارچوب کلی محراب را تشکیل می‌دهند.

لذا در صورت حفظ مفاهیم به دست آمده از محراب مسجد جامع تبریز، در طراحی‌های محراب مساجد می‌توانیم باعث حفظ و انتقال تاریخ و فرهنگ ارزشمندان به آیندگان باشیم. باید به این نکته اشاره کرد که تکیه تنها بر این محراب، بدون انجام یکسری مطالعات تطبیقی (تطبیق چندین محراب تاریخی)، نتایج محکم و قابل‌اعتنایی حاصل نخواهد شد.

فهرست منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. لسان العرب. بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴.
- اسمعیلی سنگری، حسین و وحید ایلائی. «بازخوانی اسناد کتیبه‌ای غیرمنقول در میراث جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز». فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی ۲، ش. ۴ (۱۳۹۳): ۱۰۷-۱۳۲.
- براتی، ناصر و الهام کاکاوند. «کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی-اسلامی». باغ نظر، ش. ۴۲ (۱۳۹۵): ۱۸-۵.
- براتی، ناصر. «باغ و باغسازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی». مجله باغ نظر، ش. ۲ (۱۳۸۳): ۳-۱۵.
- بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: انتشارات آگه، ۱۳۷۶.
- بهمنی، پردیس. سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران. با همکاری الیاس صفاران. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹.
- بیلسکر، ریچارد. یونگ. ترجمه حسین پاینده. تهران: طرح نو، ۱۳۸۴.
- پالمر، مایکل. فروید، یونگ و دین. ترجمه محمد دهگانپور و غلامرضا محمدی. تهران: رشد، ۱۳۸۵.
- پهلوان، چنگیز. فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن. بی‌جا: شرکت نشر قطره، ۱۳۷۸.
- پوپ، آرتور. معماری ایران. ترجمه غلامحسین صدری افشار. بی‌جا: اختران، ۱۳۸۶.
- پورخالقی چترودی، مه دخت و فرزاد قائمی. «تحلیل نمادینگی آتش در اساطیر بر مبنای نظریه همترازی و رویکرد نقد اسطوره‌ای (با تمرکز بر اساطیر ایران و شاهنامه فردوسی)». فصلنامه جستارهای نوین ادبی، دانشگاه فردوسی مشهد، ش. ۳ (۱۳۸۹): ۹۵-۱۱۸.
- پیرانی، حمیده و نورالهدی احمدسلطانی. «شناسایی و معرفی الگوهای آرکی تایپی (کهن‌الگویی) موجود در تخت سلیمان». کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران، ۱۳۹۶.
- پیرسن، کارول. بیداری قهرمان درون: دوازده کهن‌الگوی یاریگر برای یافتن خویشتن و دگرگونی جهان درون. ترجمه فرناز فرود. تهران: نشر کلک آزادگان، ۱۳۹۴.
- تبریزی، غلامرضا. نگرشی بر روانشناسی یونگ. مشهد: نشر جاودان خرد، ۱۳۹۶.
- حاتم، غلامعلی. «نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران». فصلنامه هنر، ش. ۲۸ (۱۳۷۴): ۳۶۱-۳۶۷.
- حری، ابوالفضل. «کارکرد کهن‌الگوها در شعر کلاسیک و معاصر فارسی در پرتو رویکرد ساختاری به اشعار شاملو». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی ۵، ش. ۱۵ (۱۳۸۸): ۱-۱۷.
- دیبا، داراب. معماری معاصر ایران. تهران: نشر آبان، ۱۳۸۱.
- سرانو، میگوئل. با یونگ و هسه. ترجمه جلال ستاری. تهران: نشر بدیهه، ۱۳۷۶.
- سرلو، خوان ادواردو. فرهنگ نمادها. ترجمه مهرانگیز اوحدی. تهران: نشر دستان، ۱۳۸۹.

- سلطان زاده، حسین. تبریز خشتی استوار در معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶.
- شمیسا، سیروس. انواع ادبی. بی‌جا: نشر میترا، ۱۳۸۳.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان. فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضائلی. تهران: انتشارات جیحون، جلد ۱-۲، ۱۳۷۹؛ جلد ۳، ۱۳۸۲؛ جلد ۴، ۱۳۸۵؛ ج ۵، ۱۳۸۷.
- صابری، زهره. بررسی کهن‌الگوها در داستان‌های مولوی. استاد راهنما: یعقوب آژند و مهنوش مشیری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، ۱۳۹۳.
- طباطبایی، محمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی. قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- عباسلو، احسان. «نقد کهن‌الگو گرایانه». کتاب ماه ادبیات، ش. ۱۸۲ (۱۳۹۱): ۸۵-۹۰.
- عمرانی، بهروز و حسین اسمعیلی سنگری. مساجد تاریخی آذربایجان شرقی. به سفارش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی. تبریز: ستوده، ۱۳۸۶.
- فرای، نورتروپ. رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات. ترجمه صالح حسینی. تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۷۹.
- فورد هام، فریدا. مقدمه‌ای بر روانشناسی یونگ. ترجمه مسعود میر بها. تهران: اشرفی، ۱۳۵۶.
- کاسیرر، ارنست. فلسفه صورت‌های سمبلیک. ترجمه یدالله موقن. تهران: بی‌نا، ۱۳۷۸.
- کوپر، جی سی. فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد، ۱۳۷۹.
- گلابچی، محمود و آیدا زینالی فرید. معماری آرکی تایپی. تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- مرتضوی، شهرناز. روانشناسی محیطی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۷.
- مسکوب، شاهرخ. سوگ سیاوش. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.
- مکی نژاد، مهدی؛ آیت‌اللهی، حبیب‌الله و محمد مهدی هراتی. «تناسب و ترکیب در کتیبه محراب مسجد جامع تبریز». هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ش. ۴۰ (۱۳۸۸): ۸۱-۸۸.
- میرقادر، عاطفه سادات. نمادهای کهن‌الگویی در مثنوی معنوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علیرضا فولادی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲.
- هیلن برند، روبرت. معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۹۱.
- یونگ، کارل گوستاو. انسان و سمبل‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی، ۱۳۸۳؛ انتشارات دیبا، ۱۳۸۷.
- یونگ، کارل گوستاو. چهار صورت مثالی. ترجمه پروین فرامرزی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- یونگ، کارل گوستاو. مشکلات روانی انسان مدرن. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: انتشارات دیبا، ۱۳۸۹.
- Renaldo J. M., Wheelwright, J.B. "Archetype and Archetypal image", in *Jungian Literary Criticism*, ed. Richard P. Sugg, Illinois: Northwestern University Press, 1992.

Ryan, R.E. *The strong eye of shamanism: a journey into the caves of consciousness*, Inner Traditions International, Canada, 1999.

Zeinali Farid, A. "Architecture Based on Archetype". *Design Principles and Practices: An International Journal*, 5, no. 4 (2011): 405-432.

Transliterated Bibliography

‘Abbāslū, Iḥsān. "Naqd-i Kuhan Ulqū Grāyānih". *Kitāb-i Māh-i Adabiyāt*, no. 182, (2012/1391): 85-90.

Bahār, Mihrdād. *Pazhūhishī dar Asāṭīr-i Irān*. Tehran: Intishārāt-i Āgah, 1997/1376.

Bahmanī, Pardīs. *Sīyr-i Tahawwul va Tāṭawwur-i Naqsh va Namād dar Hunar-hā-yi Sunatī Irān*. Bā Hamkāri Ilyās Şafārān. Tehran: Payame Noor University, 2010/1389.

Barātī, Nāşir va Ilhām Kākāvand. "Kandukāvī Padidārshināsānah dar Rāstāy Shinākht yik Ingārih-yi Kuhan dar Mīmārī Irānī-Islāmī". *Bāgh Nazar*, no. 42 (2016/1395): 5-18.

Barātī, Nāşir. "Bāgh va Bāghsāzi dar Farhang-i Irānī va Zabān-i Fārsī". *Majallih-yi Bāgh Nazar*, no. 2 (2004/1383): 3-15.

Bilsker, Richard. *Yūng*. translated by Ḥusayn Pāyandih. Tehran: Ṭarḥ-i Nū, 2005/1384.

Cassirer, Ernst. *Falsafih-yi Sūrat-hā-yi Sambulik*. translated by Yadallāh Mūqan. Tehran: s.n. 1999/1378.

Chevalier, Jean va Alain Gheerbrant. *Farhang-i Namād-hā*. translated by Sūdābih Fażā’ili. Tehran: Intishārāt-i Jiyhūn, vol. 1-2, 2000/1379; vol. 3, 2003/ 1382; vol. 4, 2006/1385; vol. 5, 2008/1387.

Cirlot, Juan Eduardo. *Farhang-i Namād-hā*. translated by Mihrangiz Auḥādī. Tehran: Nashr-i Dastān, 2010/1389.

Cooper, Jean C. *Farhang-i Muşavar-i Namād-hā-yi Sunatī*. translated by Malīḥih Karbāsiyān. Tehran: Farshād, 2000/1379.

Dībā, Dārāb. *Mīmārī-i Mu’āşir-i Irān*. Tehran: Nashr-i Ābān, 2002/1381.

Fordham, Farida. *Muqadamih-i bar Ravānshināsī-yi Yūng*. translated by Mas’ūd Mirbahā. Tehran: Ashrafī, 1977/1356.

Frye, Northrop. *Ramz-i Kul: Kitāb-i Muqaddas va Adabiyāt*. translated by Şāliḥ Ḥusaynī. Tehran: Nashr-i Nīlūfar, 2000/1379.

Gulābchī, Maḥmūd va Āydā Ziynālī farīd. *Mīmārī Archetypal*. Tehran: University of Tehran, 2014/1393.

Ḥātām, Ghulām ‘Alī. "Naqsh va Namād dar Sufālinah-hā-yi Kuhan-i Irān". *Faşlnāmāh-yi Hunar*, no. 28

(1995/1374): 361-367.

Hillenbrand, Robert. *Mi'mārī Islāmī*. translated by Bāqir Āyat Allāh zādih Shirāzī. Tehran: Intishārāt-i Ravzanīh, 2012/1391.

Ḥurī, Abū al-Faẓl. "Kārkird-i Kuhan Ulgū-hā dar Shī'r-i Kilāsik va Mu'āshir-i Fārsī dar Partū Rūykard-i Sākhtārī bi Ash'ār Shāmlū". *Faṣlnāmah-yi Adabiyāt 'Irfānī va Uṣṭūrahshinākhtī* 5, no. 15 (2009/1388): 1-17.

Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram ibn 'Alī. *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dar Ṣādir, 1993/1414.

Isma'īlī Sangarī, Ḥusayn va Vaḥīd Ilā'ī. "Bāzkhānī Asnād-i Katībīh-i Ghiyr-i manqūl dar Mirās-i Jahānī Majmū'ih-yi Bāzār-i Tārikhī-i Tabrīz". *Faṣlnāmah-yi Pazhūhish-hā-yi Mi'mārī Islāmī* 2, no. 4 (2014/1393): 109-132.

Jung, Carl Gustav. *Chāhār Ṣūrat-i Misālī*. translated by Parvīn Farāmarzī. Mashhad: Āstān-i Quds-i Razavī, 1989/1368.

Jung, Carl Gustav. *Insān va Sambūlhāyash*. translated by Maḥmūd Sulṭānīyih. Tehran: Jāmī, 2004/1383; Intishārāt-i Dībā, 2008/1387.

Jung, Carl Gustav. *Mushkilāt-i Ravānī Insān-i Mudīrn*. translated by Maḥmūd Bihfurūzī. Tehran: Intishārāt-i Dībā, 2010/1389.

Makī nīzhād, Mahdī; Āyat Allāhī, Ḥabīb Allāh va Muḥammad Mahdī Harātī. "Tanāsūb va Tarkīb dar Katībīh-yi Mihrāb-i Masjid-i Jāmī' Tabrīz". *Hunar-hā-yi Zībā- Hunar-hā-yi Tājasumī*, no. 40 (2009/1388): 81-88.

Maskūb, Shāhrukh. *Sūg-i Siyāvūsh*. Tehran: Intishārāt-i Khārazmī, 1978/1357.

Mīrḡadrī, 'Aṭīfīh Sādāt. *Namād-hā-yi Kuhan Ulqū-ī dar Masnavī Ma'navī*. Supervisor 'Alī Rizā Fūlādī, Master's thesis, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, 2013/1392.

Murtaẓavī, Shahrnāz. *Ravānshināsī Muḥīṭī*. Tehran: Intishārāt Shahīd Beheshti University, 1988/1367.

Pahlivān, Changīz. *Farhangshināsī: Guftār-hā-yi dar Zamīnīh-yi Farhang va Tamadun*. s.l. Shirkat-i Nashr-i Qaṭrīh, 1999/1378.

Palmer, Michael. *Firūyd, Yūng va Dīn*. translated by Muḥammad Dihgānpūr va Ghulāmriẓā Muḥammadi. Tehran: Rushd, 2006/1385.

Pearson, Carol. *Bīdārī-i Qahramān-i Darūn: Davāzdah Kuhan Ulqū-yi Yāzīgar barā-yi Yāftan-i Khishtan va Digargūnī-i Jahān-i Darūn*. translated by Farnāz Furūd. Tehran: Nashr-i Kilk-i Āzādīgān, 2015/1394.

Pīrānī, Ḥamīdih va Nūr al-Hudā Aḥmad Sulṭānī. “Shināsāī va Mu‘arifi Ulgū-hā-yi Archetypal (Kuhan Ulgūyi) Maujūd dar Takht-i Sulaymān”. Kunfirāns bayn al-Millalī Umrān, Mi‘mārī va Shahrsāzi Irān-i Mu‘āshir, Tehran: 2017/1396.

Pope, Arthur. *Mi‘mārī-i Irān*. translated by Ghulām Ḥusayn Ṣadrī Afshār. s.l. Akhtarān, 2007/1386.

Pūrkhālīqī Chatrūdī, Mah Dukht va Farzād Qā‘imī. “Taḥlīl-i Namādīnigī Ātash dar Asāṭīr bar Mabnāy Nazāriyih-yi Hamtarāzi va Rūykard-i Naqd-i Ustūrih-i (bā Tamarkuz bar Asāṭīr Irān va Shāhnāmāh-yi Firdawsī”. *Faṣlnāmāh-yi Justār-hā-yi Nuvīn-i Adabī*, Ferdowsi University of Mashhad, no. 3 (2010/1389): 95-118.

Ṣābirī, Zuhrih. *Barrisi Kuhān Ulgū-hā dar Dāstān-hā-yi Maulavī*. Supervisor Ya‘qūb Āzhand va Mahnūsh Mushīrī, Master’s thesis, University of Tehran, Faculty of Fine Arts, 2014/1393.

Serrano, Miguel. *Bā Yūng va Hisih*. translated by Jalāl Satārī. Tehran: Nashr-i Badīhih, 1997/1376.

Shamīsā, Sīrūs. *Anwā‘-i Adabī*. s.l. Nashr-i Mitrā, 2004/1383.

Sulṭānzādah, Ḥusayn. *Tabriz Khishti Ustūvār dar Mi‘mārī-i Irān*. Tehran: Daftar-i Pāzhūhish-hā-yi Farhangī, 1997/1376.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *Tafsīr-i al-Mizān*. translated by Muḥammad Bāqir Mūsavī. Qum: Nashr-i Jāmi‘ah-yi Mudarrisīn Ḥawzah-yi ‘Ilmiyah Qum, Daftar-i Intishārāt-i Islāmī, 1999/1378.

Tabrizī, Ghulām Rizā. *Nigarishi bar Ravānshināsī Yung*. Mashhad: Nashr-i Jāvidān-i Khirad, 2017/1396.

‘Umrānī, Bihruz va Ḥusayn Isma‘īlī Sangarī. *Masājid-i Tārikhi-i Āzarbāyjān-i Sharqī*. bi Sifārish-i Sāzimān-i Mirās-i Farhangī, Ṣanāy‘ Dastī va Gardishgarī Ustān-i Āzarbāyjān-i Sharqī. Tabriz: Sutūdiḥ, 2007/1386.